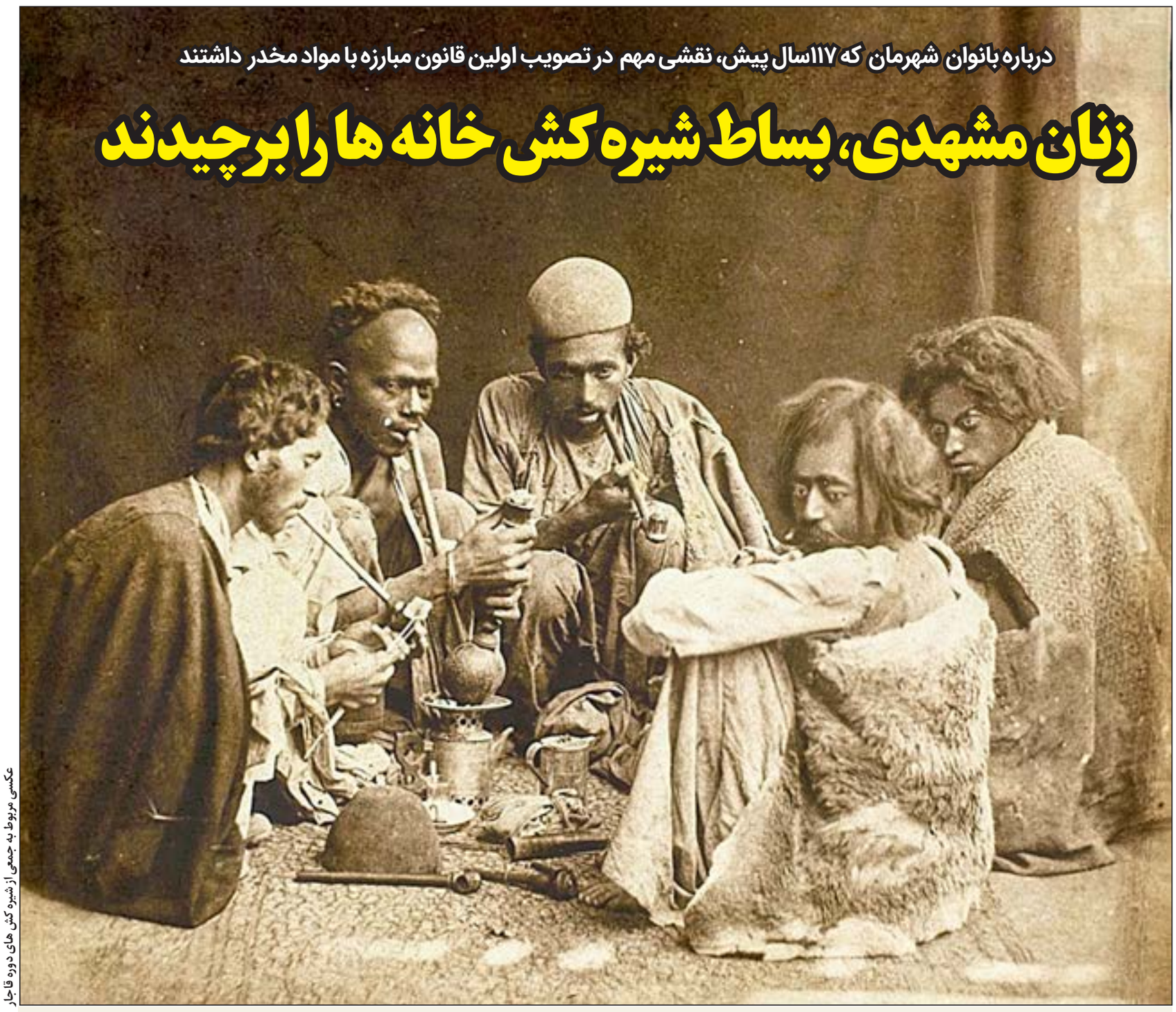
شهرآرا
SHAHRARANEWS.IR
شنبه
۱۶ دی ۱۴۰۲
۳ جمادی‌الثانی ۱۴۴۵
شماره ۴۱۲۶
۱۵
طرح و هویت

درباره بانوان شهرمان که ۱۱۷سال پیش، نقشی مهم در تصویب اولین قانون مبارزه با مواد مخدر داشتند

زنان مشهدی، بساط شیره کش خانه ها را برچیدند



عکسی مربوط به جمعی از شیره کش های دوره قاجار

مرضیه ترابی| هرچند استفاده از فرآورده‌های گیاهی مخدر، عمری به درازای تاریخ بشر دارد، ابتلای جوامع انسانی به بیماری مهلک و فراگیر اعتیاد، محصول عصر جدید و تکاپوهای استعماری است. شیوع اعتیاد به محصولاتی نظیر تریاک، از قرن نوزدهم در کشورهای تحت استعمار آغاز شد و در اندک مدتی، سهمی بزرگ از تجارت بین‌المللی را از آن خود کرد؛ تجارتی که بیشتر در اختیار کشورهای صاحب ناوگان کشتیرانی بزرگ، مانند انگلیس بود. این تجارت پرسود، خیلی زود نظرها را به خود جلب کرد و به ابزاری برای کسب ثروت فراوان و نفوذ سیاسی استعمارگران و غارت ملت‌ها تبدیل شد، حتی کشوری بزرگ و باستانی مانند چین نیز نتوانست در برابر این اهریمن کشنده مقاومت کند. برخی مورخان سقوط چین به دامن استعمار و فروپاشیدن این کشور در قرن نوزدهم را به دلیل نفوذ و اشاعه مواد مخدر از سوی کمپانی‌های انگلیسی در این کشور می‌دانند؛ اقدامی که در نهایت، با ماجرای «جنگ تریاک»، به استقلال چین خاتمه داد اما در ایران، موضوع تنها شیوع اعتیاد در این دوره تاریخی و برپایی «شیره‌کش خانه» در نقاط مختلف کشور و به‌ویژه در قهوه‌خانه‌ها و به خصوص در شهرهای پرجمعیت نبود؛ زمین‌های کشاورزی ایران برای کشت خشخاش بسیار مناسب بود؛ به همین دلیل کشور مانه فقط به عنوان بازار مصرف، بلکه به عنوان مرکز تولید محصول با قیمت بسیار ناچیز نیز، توجه بریتانیایی‌ها را به خود جلب کرد. کمپانی یهودی انگلیسی «ساسون» که ابتدا حوزه تجارت مرگ خود را در خاک عثمانی فعال کرده بود، به دنبال آگاهی ترک‌ها از اقدامات پشت‌پرده این شرکت در فعالیت‌های مربوط به شیوع اعتیاد، به سرعت محل استقرار خود را از بغداد به بوشهر منتقل کرد و در همین شهر بود که کار سلف‌خری تریاک آغاز شد و به‌تدریج، تا آغاز دوره محمدشاه قاجار، ایران به یکی از کانون‌های مهم تولید تریاک در جهان تبدیل شد. بخش مهمی از این محصول بر روی مزارعی کشت می‌شد که تا قبل از آن، به کشت محصولات غذایی راهبردی، مانند گندم اختصاص داشت. به این ترتیب در حالی که برخی تاجران منفعت‌طلب، به‌عنوان شرکای تجاری کمپانی ساسون، در ایران فعالیت خود را آغاز کرده بودند تا محصولات تولیدشده را به بوشهر برسانند و در واقع خوراک شوم اقتصاد سرمایه‌داری در چین را -که به دلیل جمعیت زیاد، بهترین بازار فروش این محصول بود- فراهم کنند، شیوع اعتیاد در میان ایرانیان سرعتی سرسام‌آور به خود گرفت. طولی نکشید که بساط شیره‌کش خانه‌ها، در بسیاری از شهرها پهن شد و عوارض ناشی از وجود چنین مکان‌هایی، دامن مردم را گرفت؛ فحشا، قمار، شرب خمر و.... به این ترتیب، در دهه ۱۲۸۰ خورشیدی و دوران پرفرازونشیب نهضت مشروطه، شیوع اعتیاد و گسترش شیره‌کش خانه‌ها در شهرها و روستاها، یکی از ابتلائات اصلی اجتماعی در ایران بود.

مشروطیت و تغییرات بنیادین خوب و بد!

با پیروزی نهضت مشروطه و امضای فرمان آن در ۱۴ مرداد سال ۱۲۸۵ توسط مظفرالدین‌شاه، فضا برای گسترش فعالیت‌ها و پویش‌های سیاسی و اجتماعی فراهم شد. بخش عمده این فعالیت‌ها و پویش‌ها، متأثر از نگاه منورالفکرها به غرب و دستاوردهای ناشی از نوع دیدگاه سیاسی کشورهای اروپایی بود؛ اتفاقی که باعث دردسرهای زیادی در جامعه ایران شد و چالش‌های متعددی را در عرصه‌های مختلف برانگیخت. این چالش‌ها، هزینه‌های سنگینی برای کشور دربر داشت و در ضمن، باعث بروز درگیری‌های فیزیکی و تلاش برای حذف برخی شخصیت‌های سیاسی و حتی دینی شد. با این حال، همه آنچه از این فعالیت‌ها و پویش‌ها به دست می‌آمد، منفی و دردسرساز نبود. در میان این اقدامات، گاه به مواردی بر می‌خوریم که خبر از ایجاد تحولات مثبت در جامعه ایرانی و تلاش برای ترقی و تعالی فرهنگی و اجتماعی می‌دهد. مثلا در همین مشهد خودمان، نخستین تالارهای مطالعه - یا به قول قدیمی‌ها «قرائتخانه» - به همت افرادی مانند «حاج عبدالرحیم صراف» تأسیس شد که در نوع خود پدیده‌ای بسیار جالب توجه در فضای فکری مشهد به حساب می‌آمد. در این قرائتخانه برای نخستین بار جوانان علاقه‌مند، به جراید و مجلات ایرانی و خارجی به طور گسترده دسترسی داشتند. از سوی دیگر، در همین دوره، روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌هایی با هدف افزایش اطلاعات و آگاهی‌های عمومی جامعه انتشار یافت که نقش مهمی در ارتقای سطح زیست اجتماعی مردم، به ویژه در حوزه بهداشت عمومی داشت. با این حال، کمتر پیش می‌آمد که کسی به نقش ویرانگر مواد مخدر و شیوع اعتیاد به آن در جامعه بپردازد.

آغاز شیوع اعتیاد در مشهد

درباره تاریخ شیوع اعتیاد به مواد مخدر در شهر مشهد، اطلاعات دقیقی نداریم؛ اما مسئله اعتیاد و استفاده از تریاک، از دوره صفویه مرسوم بوده و احتمالاً در مشهد نیز، این رویه وجود داشته است. با این حال، شیوع افسارگسیخته این بلای مهلک اجتماعی در مشهد، هم‌زمان با گسترش کشت تریاک در اوایل دوره محمدشاه قاجار، به چشم آمد. طولی نکشید که شیره‌کش خانه‌ها در نقاط مختلف شهر، به ویژه مناطق فقیرنشین و باغات داخل مشهد به راه افتادند؛ اما کنی که در ایجاد ناامنی‌های اجتماعی سهم بسزایی داشتند، اما عملا هیچ اقدامی برای جلوگیری از فعالیت آن‌ها صورت نمی‌گرفت. با پیروزی نهضت مشروطه، شاید برخی توقع داشتند که موضوع جمع کردن شیره‌کش خانه‌ها از سطح شهر به عنوان یک دغدغه عمومی، به خصوص در میان بانوان، مورد توجه قرار گیرد و چاره‌ای برای آن اندیشیده شود؛ اما درگیری‌های سیاسی و توجه اکید به عرصه فعالیت‌های فرهنگی، باعث شد که توجه نسبت به موضوع اعتیاد و فعالیت شیره‌کش خانه‌ها، اولویت نخست مشروطه‌خواهان و اعضای نخستین انجمن ایالتی خراسان نباشد. هر چند که در تهران، برخی منورالفکرهای غربگرا، وجود چنین مکان‌هایی را برای افزایش درآمد شهرداری‌ها مفید می‌دانستند، چنین نگاهی در مشهد وجود نداشت یا دست‌کم گزارشی از چنین رویکردی در دست نداریم.



جنبش تعطیلی قهوه‌خانه‌ها

در اسفند سال ۱۲۸۵ شمسی، نخستین انجمن ایالتی خراسان، پس از برگزاری انتخابات در مشهد تشکیل شد. اعضای این انجمن عبارت بودند از : محمدعلی میرزا برهان‌الملک، محمدکاظم تهرانیان، عبدالرحیم مجتهد عیدگاهی، شیخ ذبیحا... مجتهد قوچانی، ارفع‌السلطان، شیخ حسن کاشی، فاضل بسطامی، محمدعلی ترشیزی و غلامعلی یزدی. محل برگزاری جلسات انجمن، بخشی از «بیرونی» منزل آیتا... میرزا حبیب خراسانی بود که در منطقه چهارباغ قرار داشت. جلسات انجمن برای ساماندهی به اوضاع آشفته آن دوره، به صورت فشرده برگزار می‌شد. هفته‌نامه «خورشید» با مدیریت «میرزاعلی آقاتبریزی» تقریباً به عنوان «ارگان» انجمن ایالتی خراسان عمل و صورت جلسات را به صورت هفتگی منتشر می‌کرد و به اطلاع مردم می‌رساند. به همین دلیل، در مطالعات مربوط به تاریخ انجمن‌های ایالتی دوره متقدم در مشهد، هفته‌نامه خورشید یک منبع قابل اعتناست. در متن این صورت جلسات و گزارش‌ها گاه می‌توان نشانه‌هایی از خیزش‌های اصلاحی اجتماعی یافت که شاید کمتر به گوش نسل امروز خورده باشد. یکی از این گزارش‌ها که در شماره ۱۲ هفته‌نامه خورشید منتشر شد، آمده است: ««[مردم در مقابل در انجمن جمع شدند و گفتند:] شما[اعضای انجمن] در پیشرفت امور جد و اهتمام ندارید. در این دو ماه و نیم که انجمن دایر شده و امید کلیه مردم به اقدامات شما و کلاست، با وجود این هیچ‌گونه اقدامی در اصلاح امور نفرموده‌اید. از بابت مالیات قرار شده بود که یک ثلث بیشتر حواله نکنند و حالا با هر پُست عریضه جات، شکایت و تظلم از ولایات، از زیاده‌روی حکام در باب مالیات می‌رسد و هنوز شما صورت صحیح بدهی آن‌ها را نگرفته‌اید. هکذا از بی‌نظمی شهر، شبی نیست سرقتی نباشد. اگر شما اقدام نمی‌کنید، بگویید تا ما تکلیف خودمان را بدانیم. در این بین از تمام اصناف، متدرجا[به تدریج] چند نفری به انجمن آمده، جمعیت زیاد شد؛ هکذا از طلاب مدارس از هر مدرسه جمعیتی می‌آمدند و تأکید و اصرار داشتند که حکم کنید ما خودمان قهوه خانه‌ها را ببندیم. حضرات علما و وکلاء فخام[بزرگوار] آن‌ها را نصیحت، موعظه و ساکت می‌کردند که اجرای احکام، تکلیف حکومت است، نه انجمن.» ماجرای بستن قهوه خانه‌ها از آن رو به مطالبه عمومی تبدیل شده بود که بخش مهمی از آن‌ها، در واقع شیره‌کش خانه بودند و نه قهوه خانه! با این حال، موضوع تعطیلی این مراکز به عنوان دستور جلسه مورد توجه اعضای انجمن قرار نمی‌گرفت. تا اینکه بانوان مشهدی برای تحقق این مطالبه اجتماعی و بسیار راهبردی، وارد میدان شدند.

پرچمداری بانوان در حوزه تقنین و اجرا

روز ۱۱ خرداد سال ۱۲۸۶ جمع کثیری از خانم‌های مشهدی مقابل انجمن ایالتی تجمع کردند؛ یک تجمع اعتراضی که احتمالا باید آن را نخستین تجمع اعتراضی بانوان در تاریخ مشهد بدانیم. آن‌ها خواستار تصویب و اجرای قانون منع فعالیت قهوه‌خانه‌ها و شیره‌کش خانه‌ها بودند. در ابتدای کار، اعضای انجمن توجهی به خواست بانوان نکردند، اما به تدریج بر تعداد آن‌ها افزوده شد و سر و صدا بالا گرفت. هفته‌نامه خورشید گزارش می‌دهد که زنان، بعد از مدتی وارد محل برپایی جلسات انجمن ایالتی شدند و با فریادهای اعتراضی خود، اعضای انجمن را به تصویب قانون وادار کردند. حاضران در جلسه انجمن ایالتی که خود را در برابر موج اعتراضی و گسترده بانوان مشهدی می‌دیدند، سرانجام پذیرفتند که قانون مورد نظر زنان معترض را تصویب کنند. به این ترتیب، همان روز، یعنی ۱۱ خرداد سال ۱۲۸۶، نخستین قانون مبارزه با مراکز توزیع و مصرف مواد مخدر در ایران، به همت خانم‌های مشهدی تصویب شد؛ اما آن‌ها فقط به تصویب قانون دلخوش نبودند و برای تأمین امنیت فرزندان، شوهران و برادران خود، خواستار اجرای سریع قانون جدید شدند. انجمن ایالتی که هنوز بازوی اجرای قدرتمندی نداشت، موقتاً از اجرای قانون شانه خالی کرد، اما بانوان خشمگین، خود برگه قانون تصویب شده را به دست گرفتند و به سراغ مراکز فساد رفتند. متأسفانه از جزئیات اقدامات آنها، اطلاعاتی در اختیار نداریم، اما می‌دانیم که آن‌ها توانستند چنین مراکزی را از سطح شهر جمع و آن‌ها را وادار به خروج از محدوده شهری کنند. این اقدام بانوان مشهدی، نخستین اقدام در حوزه مبارزه با مواد مخدر کشور و اولین اقدام اجتماعی در شهر مشهد، پس از پیروزی نهضت مشروطیت بود.

نمونه برج‌سازی ایلخانیان

درباره تاریخچه برج‌مقبره علی‌آباد کشمر و تزیینات بی‌مانندش



هادی دقیق| سمت راست جاده‌ای که به شکل یک خط مستقیم از کاشمر به بردسکن می‌رسد، روستایی است از توابع شهرستان بردسکن، به نام «علی‌آباد کشمر». از همان حاشیه جاده که به سوی شمال نگاه کنیم، تقریبا در فاصله پنج‌کیلومتری این مسیر اصلی، بنایی آجری می‌بینیم که مثل مدادی در زمین فرورفته است و نوکش به آسمان است و چند سروگردن از ساختمان‌های اطرافش بلندتر. دورنمای این برج هجده‌متری، خیلی راحت جلب توجه می‌کند و تماشای آجرکاری‌هایش از نزدیک، پای هر رهگذری را سست و چشمش را به خود خیره. «برج‌مقبره علی‌آباد کشمر» حالا به لطف مرمت‌های گاه‌وبیگاهش سرپاتر از روزگار گذشته است. این بنا پر از نقش‌ونگار آجری و گچی و کاشی است و ستون‌های تزیینی روی بدنه‌اش هم که به نوعی تلاشی برای تبدیل‌کردن پلان چندضلعی آن به دایره گنبد مخروطی‌اش است، جلوه‌ای کم‌نظیر به آن داده است که یکی از مانندهایش را می‌شود در رادکان خراسان دید. برج‌مقبره علی‌آباد کشمر ۱۵دی۱۳۱۰ به‌عنوان صدوبیست و هفتمین اثر ملی ایران ثبت شد. با وجود این، خانه‌هایی که حتی پس از ثبت‌ملی‌شدن این برج به آن چسبیده و در حریم بنا بودند، استفاده از مصالح امروزی مثل سیمان برای مرمت، هم‌دستی ابر و باد و مه و خورشید و فلک باگردش روزگار، عمر دراز بنا، محافظت نشدن درخورشأن یک بنای ثبت‌ملی‌شده و... آن را آسیب‌پذیر کرده است. درنتیجه، ضرورت محکم کردن پایه‌های این برج تاریخی و حفاظت شایسته از آن، امروز در آستانه نودودوسالگی ثبت‌ملی‌اش بیشتر حس می‌شود. روی هم‌رفته، این برج‌مقبره بین هم‌سنگ‌های هم‌دوره‌اش عزتمند است و جدا از نمای آجر و کاشی زیبایش، سراسر فضای داخلش هم گچ‌بری و مقرنس‌کاری شده است.

چو برزد سر از برج، شیرآفتاب

روزی که بنای برج پا گرفت و آفتاب بر بالای این برج آجری سر زد، باید اواخر قرن هفتم یا اوایل سده هشتم قمری بوده باشد. ظاهر بنا و آجرکاری‌های فراوانش، ذهن تماشاگر را به‌سمت یک بنای دوره سلجوقی می‌برد، اما مدارک حاکی از بنایی مربوط به دوره ایلخانی است. شاید این تصور ذهنی از آنجا نشئت می‌گیرد که اوج هنر آجرکاری سرزمینمان، مربوط به دوره سلجوقی است و کسی گمان نمی‌برد که این شکوه آجرکاری مربوط به دوره اوج این هنر نباشد. میل‌ها، برج‌ها یا مناره‌های آجری هم که بیشتر برای راهنمایی مسافران و یادبود و بعد از آن، برخی‌هایشان به‌عنوان مقبره استفاده می‌شدند، تقریبا پیشینه‌ای به همین اندازه دارند و برج لاجیم مازندران و برج آرامگاه پیر علمدار دامغان از نمونه‌های اولیه آن در ایران هستند. با وجود این، برج‌های آجری در طول تاریخ شکل‌های گوناگونی پیدا کرده‌اند و هنرهای مختلفی در آن‌ها اجرا شده است.

کاشمر یا بهتر است بگوییم شهر تاریخی ترشیز در دوره اسلامی به‌دلیل موقعیت جغرافیایی‌اش، توجه حکومت‌ها را جلب می‌کرده است، اما براساس شواهد تاریخی، محدوده جغرافیایی ترشیز در دوره‌های مختلف تغییر کرده است و گاه بین دو منار علی‌آباد کشمر و منار فیروزآباد که در جنوب بردسکن قرار دارد، ذکر شده است. از برج‌مقبره علی‌آباد کشمر، کتیبه‌ای که تاریخ دقیق ساختش را مشخص کند، در دست نیست. جالی خالی یک کتیبه هم بر سردر بنا دیده می‌شود که از آن نیز اطلاعی نداریم. همه این‌ها تاریخ‌نگاری این معماری زیبا را دشوار می‌کند، اما از لابه‌لای هنرهای به‌کاررفته در بنا می‌شود تاریخ احتمالی ساختش را تخمین زد.

برجی به چندین هنر آراسته

در این بین، برج‌مقبره علی‌آباد کشمر تقریبا همه هنرهای به‌کاررفته در برج‌های ایران را در خودش دارد و به‌نوعی می‌شود گفت به چندین هنر آراسته است. ویلبر، پژوهشگر تاریخ معماری ایرانی‌واسلامی، معتقد است شیوه ساخت برج‌مقبره علی‌آباد مختص شمال و شمال‌شرق ایران است. این برج مانند بقیه آثار بازمانده از این نوع معماری، از سه بخش پایه، ساقه یا بدنه و کلاهک یا تاج تشکیل شده است. بنا از داخل دوطبقه است. گنبدبرج علی‌آباد دوپوسته است و پوسته داخلی نیم‌دایره‌ای زیر گنبد مخروطی‌اش قرار دارد و پنج متر بین این دو، فضای خالی است که برای نورگیر و تهویه هوا استفاده می‌شده است. زیر پوسته نخست گنبد نیز با گچ‌بری‌های ناودانی‌شکل تزیین شده است؛ البته بسیاری از گچ‌بری‌ها و تزیینات آجرهای لعاب‌دار بنا سال‌هاست از بین رفته‌اند. پلان پایه این بنا از بیرون دوازده‌ضلعی و از داخل هشت‌ضلعی است؛ درست همان چیزی که در رادکان می‌بینیم. هرکدام از ضلع‌های داخل برج علی‌آباد با طاق‌های مقرنس‌کاری‌شده تزیین شده‌اند و روی آن‌ها یک طبقه دیگر با همان تزیینات مقرنس‌کاری منتها با طاق متفاوت ساخته‌اند. در بیرون بنا نیز چهار ضلع با طاق‌نمای آجری در ترکیب با کاشی معقلی (کاشی‌های کوچک مربع‌شکل) تزیین شده‌اند که یکی از آن‌ها ورودی بنا و سه‌تای دیگر پنجره هستند. بین این دو چندضلعی داخلی و بیرونی نیز راه‌پله‌ای مارپیچ دور بنا می‌چرخد و به طبقه بعدی، سپس به بالای پوسته اول گنبد دسترسی می‌دهد. یکی از ویژگی‌های پله‌های مارپیچ داخل بنا، مقاومت در برابر باد و زلزله و استحکام‌بخشی به بناست.

در نمای بنا نیز بعد از پایه دوازده‌ضلعی که دوازده قاب پر از تزیینات آجری و کاشی است، بدنه دایره‌ای برج است. روی این بدنه ۴۸ یال ایجاد کرده‌اند که یکی درمیان به‌شکل نیم‌ستون و مثلثی هستند. این یال‌ها با آجر و کاشی تزیین شده‌اند که علاوه‌بر زیبا کردن بنا، آدم را به‌سمت خطایی چشمی هل می‌دهند تا ارتفاع آن بیشتر از چیزی که هست، قلمداد شود.

کاربرد کاشی تک‌رنگ و آجر لعاب‌دار در نمای بیرونی به‌وفور دیده می‌شود و تنوع طرح‌ها آن‌قدر زیاد است که شرح آن در اینجا نمی‌گنجد. این کاربرد جذاب و چشم‌نواز، یکی از ویژگی‌های سده هفتم و هشتم قمری است و به‌ویژه در روکار بناهای این دوره به‌شدت رواج داشته است. درنهایت به گنبد مخروطی برج می‌رسیم که به نظر می‌رسد تاج آن با این اشکال و فرم‌های متعدد آجری، تزییناتی داشته است که امروز خبری از آن‌ها نیست.